

تأثیر عوامل اجتماعی در روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر

صدیقه عباسی*

خدیجه سفیری**، امیرمسعود امیرمظاهری***

چکیده

این پژوهش تأثیر عوامل اجتماعی در روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر ۲۰ تا ۲۶ سال در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران را در سال ۱۳۹۵ بررسی می‌کند. چهارچوب نظری این پژوهش بر پایه نظریه‌های دگرگونی ارزشی اینگلهارت، رشدیافتگی سنی بنگستون، جهانی‌شدن گیدنز، تجربه نسلی مانهایم، و تغییر در فرایند جامعه‌پذیری مک لوهان استوار است. روش پژوهش پیمایشی و جامعه آماری ۱۱۴۰۶ نفر است. اطلاعات از میان نمونه ۳۸۲ نفری جمع‌آوری شده است. ضریب تعیین تعدیل‌یافته ($R^2 = 0.627$) نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به معادله ۵۲ درصد از واریانس تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده روابط نسلی معناداری متغیرهای سبک زندگی، معاشرت با گروه هم‌سالان، ارتباط و تعامل درون خانواده را، در معادله رگرسیون، نشان می‌دهد. براساس ضرایب تحلیل مسیر، سبک زندگی با ضریب کل ۰.۵۷۴ و ارتباط و تعامل درون خانواده با ضریب کل ۰.۴۷۸ بیش‌ترین تأثیر در متغیر روابط نسلی را نشان می‌دهد. یافته‌های کلی نشان می‌دهد که در تبیین تفاوت بین نسل‌ها، در سطح خرد، در ویژگی شخصیتی دختران جوان و در سطح میانی، به لحاظ جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت، دگرگونی رخ داده و دختران جوان نسل تغییرطلب‌اند و خانواده در مدیریت و کاهش تضاد نسلی نقش مداخله‌گری دارد.

کلیدواژه‌ها: روابط نسلی، سبک زندگی، عوامل اجتماعی، معاشرت با گروه هم‌سالان و ارتباط و تعامل درون خانواده.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
sara.abbasi@alzahra.ac.ir

** استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، kh.safiri@alzahra.ac.ir

*** دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، a.amirmazaheri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

۱. مقدمه و بیان مسئله

حافظه تاریخی جوامع مدعی است که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ذهنی طرح مسائل اجتماعی افزایش سطح انتظارات و توقعات عمومی، بر اثر تحولات اجتماعی و نسبی شدن ارزش‌ها و هنجارهای گذشته، است. بی‌تردید، بارزترین بستر زایش این تحولات، یعنی افزایش سطح انتظارات و توقعات، هم‌چنین تقدس‌زدایی از ارزش‌ها و هنجارهای گذشتگان، تغییر نسل است. این پدیده به نوعی می‌تواند سرآغاز سست شدن سنت‌ها باشد.

به نظر دورکیم، در شهرها سنت با سست شدن شکسته می‌شود و بذر سست شدن سنت هم به محض آن‌که پاشیده شد، نسل به نسل رشد بیش‌تری خواهد کرد، زیرا اصولی که مرجعیت و اقتدار خود را از دست داده باشند، با قدرت کم‌تری به نسل‌های آینده منتقل خواهند شد. در همین شهرهای بزرگ است که سنت‌ها کم‌تر از هر جای دیگری بر اندیشه‌ها و عواطف مردم تسلط دارند و جامعه، به موازات گسترش یافتن و متراکم‌تر شدن، تسلط کم‌تری بر فرد دارد.

تفاوت نسلی، در زمره همین مقوله تمایزها و تفاوت‌های تجربی و پایدار میان دو جریان، دو رفتار معنا می‌شود. واحدهای نسلی به‌رغم تجربیات متفاوت و حتی متضاد با هم، در یک کلیت فرهنگی - اجتماعی خاص و با پیوستگی‌های کلان به یک ساختار مشخص به تعامل (توافق یا تعارض) با یک‌دیگر می‌پردازند. خانواده‌ها به‌منزله گرانگه این تضادها و تفاوت‌ها بارزترین صحنه جدال بین فهم نسل گذشته، پدر و مادر، و فهم نسل جدید، یعنی فرزندان، هستند. عرصه این جدال حوزه تعاملی دو نسل را هم در بر می‌گیرد. به این معنا که بخشی از تعامل درونی خانواده‌ها، در شکل جدید، تعاملی هم‌راه با تضاد و کشمکش است. برخلاف گذشته، که ارتباطات یک‌سره فرمان‌بردارانه بود.

موج نوگری و آموزش همگانی موجب افزایش دانستنی‌ها و آگاهی‌های عمومی نسل جدید شد و حوزه ارتباطات انسانی و اجتماعی آن‌ها را وسیع‌تر کرد. طبیعی‌ترین نتیجه این فرایند این بود که نسل جدید نسلی شد که نخست با شتاب اجتماعی می‌گردید و دوم، در راه اجتماعی شدن، تنها منبع ارزش‌گذار او دیگر خانواده و سنت حاکم بر خانواده نبود. زیست جهان متفاوت نسل نو یا به تعبیر مانهایم تجربیات دگرگون آنان، که به سبب تحولات صنعتی و اجتماعی - فرهنگی به وجود آمد، بین جهان‌بینی نسل جدید و نسل قدیم فاصله انداخت.

همواره، دغدغه بشر و جوامع انسانی حفظ فرهنگ و درعین حال تغییر و تحول فرهنگی بوده است. ازسویی، انسان‌ها به پیوستگی و هم‌بستگی با گذشته تاریخی - اجتماعی خویش یا همان مفهوم هویت جمعی نیاز داشته‌اند و ازسوی دیگر، در جست‌وجوی انطباق ارزش‌ها و هنجارها با محیط و بهبود وضعیت خویش و جامعه خود یا همان مفهوم تغییرات فرهنگی بوده‌اند.

اگر در فرایند اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان و جوانان فرهنگ جامعه‌ای از یک نسل به نسل دیگر تاحد مطلوب منتقل شود و بازتولید فرهنگی به بهترین شکل انجام گیرد، میزان اشتراکات فرهنگی بین دو نسل افزایش می‌یابد و اختلاف زیادی بین دو نسل نمی‌افتد. در این صورت، تفاهم بین نسل جدید و نسل قدیم برقرار می‌شود و بحران هویتی نیز برای نسل جدید روی نمی‌دهد. درمقابل، اگر فرایند اجتماعی کردن، به‌علل درونی و برونی، دچار مشکل شود و ناقص انجام پذیرد و فرهنگ جامعه در حد مطلوب به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه مختل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم فاصله و شکاف می‌افتد. نمود چنین وضعی در خانواده با ضعف رابطه فکری و عاطفی و احساسی بین والدین و فرزندان و کاهش و گاهی تفاهم‌نداشتن و درک‌نکردن یک‌دیگر است.

باتوجه به اهمیت روابط نسل و ارتباط و تعامل در خانواده‌ها، این پژوهش درصدد بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر است و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست: روابط بین نسلی والدین و دانشجویان دختر از چه نوعی است؟ عوامل تأثیرگذار در روابط نسلی چیست؟ آیا می‌توان گفت که روابط نسلی تحت تأثیر عوامل اجتماعی است؟

۲. پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی

آزاد ارمکی و همکارانش (۱۳۸۲)، در مقاله «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، به بررسی تحولات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که نخست، نگرش‌های افراد در خانواده به همه مسائل تغییر کرده و دوم، در میان مردم تهران هنوز خانواده امر جدی اجتماعی تلقی می‌شود و برای حفظ و بقای آن می‌کوشند. سوم، تفاوت‌های خانواده‌ها براساس شکل‌گیری تمایزپذیری نسلی قابل فهم‌تر است؛ یعنی تحولات خانواده، باوجود نسل جدید در کنار نسل‌های دیگر، در جهت انطباق‌پذیری با شرایط جدید اجتماعی فرهنگی ایران و جهان است. خدیجه

سفیری و سیده‌عقیله محمدی (۱۳۸۴)، در مقاله «هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟»، از تلفیق دیدگاه‌های گیدنز، بوردیو، مانهایم، اینگلهارت بهره بردند. نتایج این پژوهش نشان داد که نگرش مادران به هویت جنسیتی بیش‌تر سستی و نگرش دختران مدرن است. درحوزه وظایف خانگی، دختران بیش‌تر برابری زن و مرد را مطرح کرده‌اند و مادران به کلیشه‌های فرهنگی پای‌بندتر بوده‌اند. با بالا رفتن تحصیلات مادران، نگرش سستی آنان کم و با تأهل دختران، نگرش آن‌ها بیش‌تر سستی می‌شود. ساروخانی و صدقاتی‌فرد (۱۳۸۸)، در مقاله «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، به شناخت وضع حاکم در زمینه شکاف نسلی و بررسی و تحلیل عواملی که شکاف بین نسل‌ها در خانواده معلول آن است، پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که در عرصه ارزش‌های خانوادگی تفاوت مهمی میان نسل‌ها نیست و نوعی وفاق جمعی، در رابطه با ارزش‌ها، میان نسل جوان و بزرگسال جامعه دیده می‌شود. احمدی و حامد (۱۳۹۰)، در پژوهش «سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابراهای فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، در پی واکاوی وضعیت رابطه نسلی در شهر کرمانشاه برآمدند. یافته‌ها نشان داد که تفاوت دو نسل در مقوله‌های نوگرایی، مادی‌گرایی و فرامادی‌گرایی، نگرش به زنان و خانواده معنی‌دار است و این نسل جوان است که در هر چهار مقوله رتبه بالاتری کسب کرده است. ربانی و محمدزاده یزد (۱۳۹۲) مقاله «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی ارزشی در منطقه ۹ شهرداری مشهد با تأکید بر ارزش‌های دینی» را انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که مادران و دختران در جامعه آماری مدنظر گرایش‌های متفاوت به ارزش‌های دینی دارند، اما تفاوت میانگین ارزش‌های دینی بین مادران و دختران آن‌قدر نیست که بتوان معنای شکاف نسلی را دریافت. درواقع، بین این دو نسل تفاوت نسلی ارزشی حاکم است نه شکاف. جولانی و امیرمسعود امیرمظاهری (۱۳۹۳) پایان‌نامه بررسی مردم‌شناختی شکاف نسلی نزد مادران و دختران با تکیه بر رویکرد مارگرت مید؛ مطالعه موردی منطقه ۵ تهران و شهرستان اسلام‌شهر را در چهار حوزه اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی، دینی انجام دادند و در پی آن بودند که آیا اختلاف نسل‌ها موجب شکاف و یا گسست نسلی بوده یا خیر. برطبق پژوهش انجام‌شده، در جامعه موردبررسی تفاوت بین گروه‌های سنی و منطقه‌ای مشاهده می‌شود، اما این تفاوت به‌اندازه‌ای نیست که به شکاف نسلی منجر شده باشد. دانش و همکارانش (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران» به تحلیل داده‌های تجربی به‌منظور شناخت وضعیت شکاف نسلی در جامعه کنونی ایران، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی، پرداختند. نتایج

نشان داد گرایش نوجوانان و جوانان به ارزش‌های مدرن و احساس بحران هویت ناشی از جداافتادگی آن‌ها از نسل‌های پیشین به‌مرور افزایش یافته است و در صورت ناکارآمدی مدیریت از سوی دولت و رسانه‌ها، تعارضات نسلی و درنهایت گسست نسلی آینده‌مسیر توسعه جامعه را به‌خطر خواهد انداخت.

جاکوبسن و همکارانش (Jacobsen et al. 1975) تمایزی بین عوامل اجتماعی - اقتصادی را با توافق‌نداشتن والدین و فرزندان دریافتند. اختلاف والدین و فرزندان در خانواده‌های با خاستگاه طبقاتی پایین (طبقه کارگر) بیش‌تر است. به‌نظر آن‌ها، بین پدران با تحصیلات عالی و فرزندانشان اختلاف زیادی است. به این دلیل که پدران دارای تحصیلات دانشگاهی اغلب شیوه تربیتی سخت‌گیرانه درقبال ضوابط اخلاقی دارند. جاکوبسن و همکارانش بر این نظرند که عدم توافق فرزندان مؤنث کم‌تر است و استدلال می‌کنند که دختران در مقایسه با پسران توافق بیش‌تری با خانواده خود دارند. اسکونفلوگ (Schonpflug 2001) در پژوهشی به این نتیجه رسید که فرایند انتقال فرهنگی نمی‌تواند به‌صورت پایدار در نسل‌های متوالی حادث شود، بلکه انتقال فرهنگی، بین انتقال کامل، یعنی بدون هرگونه تفاوت بین والدین و فرزندان، و انتقال کاملاً ناقص، یعنی بدون هیچ‌گونه تشابه بین والدین و فرزندان، قرار دارد. به‌نظر او، تحصیلات تأثیر مثبتی در انتقال ارزش‌ها دارد. با افزایش سواد، پدران الگوهای شایسته‌ای برای فرزندانشان به‌شمار می‌روند و الگوی شایسته‌بودن به‌شدت به انتقال منجر خواهد شد. واس و کراکت نشان دادند که در حدود نیمی از دین‌داری والدین به‌طور موفقیت‌آمیز منتقل می‌شود. جوانان در رعایت اصول و اعتقادات مذهبی تفاوت چندانی با والدینشان ندارند؛ والدینی که غیرمذهبی‌اند این فقدان مذهب را منتقل می‌کنند و والدینی که مذهبی‌اند تا حدود ۵۱ درصد انتقال ایمانشان ممکن است (Voas and Crockett 2005). ژانگ در تحقیقی عوامل آغازین تضاد بین نسلی در چین را، با استفاده از گزارش‌های مکتوب جوانان بزرگسال، بررسی کرد و با تحلیل محتوا، پنج دسته عمده از عواملی ایجاد تضاد بین نسلی را شناسایی کرد؛ از جمله، انتقاد سال‌مندان از جوانان، که بیش‌ترین فراوانی را داشتند، مطالبات غیرقانونی یا نامعقول، بی‌اعتنایی به جوانان از طرف سال‌مندان خارج از خانواده که در مقایسه با افراد سال‌مند خانواده بیش‌تر بوده است. اما، درحوزه انتقاد سال‌مندان از جوانان یا جوانان از سال‌مندان و تقاضاهای نامعقول تقریباً چنین تفاوتی در خانواده و خارج از آن مشاهده نشد (Zhang 2007). دنیس و همکاران وی در مقاله «تعارضات بین نسلی میان لاتینی‌ها در اوایل دوره بلوغ: پراکندگی تعارضات ارزشی با والدین در نتیجه تعارضات

فرهنگی» بیان می‌کنند که تعارضات بین نسلی اغلب یک بخش عادی در فرایند بلوغ تلقی می‌شود. تعارض با والدین از ابتدای دوره بلوغ آغاز می‌شود و در اواسط آن به اوج می‌رسد و در اواخر دوره بلوغ به تدریج کم می‌شود (Dennis et al. 2010). میلر و همکاران درباره ارتباط بین هویت دینی و شبکه‌های اجتماعی در آمریکا پژوهش کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که شبکه‌های اجتماعی سبب خصوصی شدن هویت دینی و سکولاریزه شدن آن در بین جوانان می‌شود (Miller et al. 2013). فرهمند و کریمی در مقاله «جهانی شدن فرهنگ و بازاندیشی هویت اجتماعی» نشان دادند که بین فناوری‌های نوین ارتباطی و بازاندیشی هویت اجتماعی رابطه معناداری است. به نحوی که با افزایش استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی میزان بازاندیشی در هویت اجتماعی افزایش می‌یابد (Farahmand and karimi 2016). همان‌گونه که مشاهده می‌شود هریک از پژوهش‌گران از دیدگاه خاصی روابط نسلی را بررسی کرده‌اند و به دیدگاه‌های متفاوتی در این حوزه دست یافته‌اند که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. دیدگاهی که از وجود شکاف نسلی دفاع می‌کند؛
 ۲. دیدگاهی که به تفاوت نسلی قائل است و وجود شکاف عمیق نسلی را یک توهم و خیال می‌داند که به غلط توسط ابزار ارتباط جمعی به مردم تحمیل شده است؛
 ۳. دیدگاهی که مسئله اصلی را گسست فرهنگی می‌داند نه گسست نسلی؛
 ۴. دیدگاهی که با بیم و امید به این پدیده نظر دارد و بر آن است که اگر شرایط فعلی مدیریت نشود، پتانسیل گسترش تفاوت نسلی را تا سرحد شکاف نسلی دارد.
- با مروری بر پیشینه تحقیق، دریافته می‌شود که تحقیقات در خارج از کشور اغلب در چهارچوب نظام فرهنگی و قومی خاصی به پدیده مورد نظر توجه داشته که این امر از میزان تعمیم‌دهی این پژوهش‌ها در قبال جوامع دیگر کاسته است. در پژوهش‌های داخلی نیز، به‌رغم تعدد پژوهش‌ها، تنوع نظری در آن‌ها چندان نیست. افزون‌براین، هیچ‌یک به‌طور خاص به مطالعه دیدگاه دختران جوان پرداخته و اغلب مقایسه‌ای انجام گرفته‌اند.
- باتوجه به پژوهش‌های داخلی و خارجی، نهاد خانواده از مهم‌ترین نهادهایی است که اغلب پژوهش‌ها به نقش تبیین‌کنندگی آن در روابط نسلی توجه و اشاره کرده‌اند که سبک‌های تربیتی خانواده و انتخاب آن‌ها از سوی جوانان، به مثابه منبع شناخت، تأثیر فراوان دارد و چون دختران این مرزوبوم مادران فردای جامعه‌اند و در تربیت نسل بعدی و انتقال فرهنگی در جامعه نقش اساسی خواهند داشت، آشنایی با نظرهای آنان در روابط نسلی مهم

است. از این رو، پژوهش حاضر از این نظر بدیع است که پژوهش‌گر با بهره‌گیری از چهارچوب نظری مناسب از پنجره نگاه دختران دانشجوی جوان به مطالعه معنای تفاوت نسلی و نوع و تیپ‌شناسی آن می‌پردازد و ضمن آشنایی با دیدگاه دانشجویان دختر نوع، روابط نسلی در جامعه نمونه را شناسایی و میزان اثرگذاری عوامل اجتماعی بر روابط نسلی را سنجیده و مشخص می‌کند که چه شاخص‌های اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را در روابط نسلی دارند. این امر مهمی است که معنای تفاوت نسلی از زبان دختران جوان شنیده شود و با در نظر گرفتن تعبیر و برداشت آن‌ها از این موضوع، برای جامعه کامل‌تر و خردمندانه‌تر برنامه‌ریزی شود.

۳. ادبیات نظری

رونالد اینگلهارت در تحقیق تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی به شیوه پیمایشی به تدوین تئوری فرامادی‌گرایی پرداخت. به زعم وی، خیزش فرامادی‌گری به‌تنهایی یک‌جنبه از فراگرد گسترده دگرگونی فرهنگی است که به گرایش‌های مذهبی، نقش‌های جنسیتی، هنجارهای جنسی، و هنجارهای فرهنگی جوامع صنعتی شکلی نوین بخشیده است. اینگلهارت، با ترکیب دو عامل فرضیه کم‌یابی و فرضیه اجتماعی‌شدن، تحولات بین نسلی را بررسی می‌کند و بر این نظر است که این دو عامل در بلندمدت تأثیراتی دارد که از آن به تحولات نسلی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، و سلیقه‌ها یاد می‌کند. از دیدگاه او، در دگرگونی‌های وسیع میان نسل‌ها، یک جهان‌بینی جای خود را به جهان‌بینی دیگری می‌سپرد (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۷۳).

ورن بنگستون (Bengston)، با بررسی ارزش‌های اساسی در خانواده، درباره تأثیرات نسلی در اعقاب سه نسل پدربزرگ و مادربزرگ‌ها، پدر و مادرها، و جوانان پژوهش کرده است و در این تحقیق، به ارزش‌های انسان‌گرایانه در مقابل ارزش‌های مادی‌گرایانه و به ارزش‌های فردگرایی در برابر جمع‌گرایی رسیده است. به نظر بنگستون، دامنه انتخاب‌های افراد در قضاوت‌های ارزشی میان نسل‌ها و ارزش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه متفاوت است. وی با استفاده از نظریه اجتماعی نقش جامعه‌پذیری ارزشی در ثبات و تغییرات اجتماعی به تداوم و تداوم‌نداشتن ارزش‌های نسلی می‌پردازد. از دیدگاه او، خانواده معمولاً مهم‌ترین مکانیسم در جامعه‌پذیری ارزش‌هاست، اما نفوذ گروه هم‌سالان و هم‌کلاسی‌ها در خارج از خانواده، مانند مدرسه، و یا وقایع تاریخی و اجتماعی به شیوه‌ای خاص در

جامعه‌پذیری جوانان به عنوان عوامل دیگر تعیین‌کننده گرایش‌های ارزشی مؤثر است (Bengston 1970: 358).

کارل مانهایم (۱۸۹۳-۱۹۴۷) بیش‌تر به تجربه نسلی تکیه می‌کند و بر آن است که هر نسلی تجربیات متفاوت از نسل قبل خود دارد؛ مثل کسانی که در یک دوره می‌جنگند. هر نسل هرچند که در طبقات مختلف قرار دارند و آگاهی‌های متفاوتی دارند، رویکرد و موضع‌گیری مشترکی دارند که از تجربه مشترک آن‌ها حاصل می‌شود. وی بین هم‌زیست‌ها و هم‌زمان‌ها تمایز قائل شده و هم‌زمان‌ها را واحد نسلی دارای ویژگی‌های دانسته است:

۱. محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی دارند؛

۲. سرنوشت و علقه مشترک یا واحد براساس تجربه مشترک دارند؛

۳. هویت واحد براساس تجربه مشترک دارند (مانهایم ۱۳۸۰: ۷۹).

مانهایم با مطرح کردن نظریه «تعین وجودی معرفت» به تبیین مسئله شکاف نسلی در زمینه نگرش‌ها و گرایش‌های گوناگون دو نسل می‌پردازد. به نظر او، واقعیت تعلق‌داشتن به یک طبقه و یک نسل و یا گروه سنی به افراد موقعیت مشترکی در فراگرد تاریخی و اجتماعی می‌دهد. پهنه تجربه بالقوه آن‌ها را به صورت خاص محدود می‌کند و آن‌ها را به سوی نوعی شیوه فکری و تجربه خالص و نوعی کنش تاریخی ویژه این موقعیت سوق می‌دهد (Manhaiem 1952: 291).

گیدنز اختلاف بین نسل‌ها را در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن می‌داند و علاوه بر عنصر زمان، به فراربودن جامعه، که از ویژگی‌های جوامع متجدد است، و به نوعی فاصله گرفتن از گذشته توجه دارد. گیدنز منشأ دگرگونی فرهنگی را تضاد بین سنت و مدرنیته و به تبع تقابل بین اختیار و خطرپذیری می‌داند. به نظر او، ویژگی مدرنیته «پویایی»، «تأثیر جهان‌گستر»، و «تغییر دائمی رسوم سنتی» است. مدرنیته سبب می‌شود که افراد هرچه بیش‌تر از قید انتخاب‌هایی که معمولاً سنت بر گردن آن‌ها می‌نهد رها شوند. بدین ترتیب، فرد درمقابل انتخاب‌های متنوع و ممکن قرار می‌گیرد (فاضلی ۱۳۸۲: ۶۵).

۴. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری پژوهش براساس نظریه‌های دگرگونی ارزشی اینگلهارت، رشدیافتگی سنی بنگستون، جهانی شدن گیدنز، تعین وجودی معرفت و تجربه نسلی مانهایم، تغییر در

فرایند جامعه‌پذیری مک لوهان (McLuhan) تدوین شده است. از میان جامعه‌شناسان معاصر رونالد اینگلهارت در حوزه جامعه‌شناسی ارزش‌ها، بر محوری‌بودن نسل تأکید کرده و دارای دیدگاه نسلی است. اینگلهارت بر آن است که خیزش سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش، اشاعه رسانه‌های جمعی، و برخاستن دولت رفاه منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها می‌شود. در نظر اینگلهارت، صنعتی‌شدن بر اغلب عناصر دیگر جامعه تأثیر می‌گذارد. براساس این نظریه، صنعتی‌شدن پیامدهای گوناگونی از جمله در حوزه فرهنگی (تغییر بین نسلی) داشته است. تغییر از جامعه پیشاصنعتی به جامعه صنعتی سبب تغییراتی در تجربه افراد و دیدگاه آنان شده است. پیدایش جامعه پسا صنعتی، محرک پیدایش و گسترش دیدگاه‌های جهانی می‌شود. افزایش تحصیلات رسمی و تجارب شغلی به افراد کمک می‌کند که استعدادهایشان را برای تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند. بنابراین، پیدایش جامعه پسا صنعتی به افزایش و تأکید بیش‌تر بر خودابزاری منجر می‌شود.

اینگلهارت در نظریه «دگرگونی ارزشی» بیان می‌کند که بر اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی مردم این جوامع رخ داده، به گونه‌ای که روند این تحول حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را نشان می‌دهد. در واقع، نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت جابه‌جایی از اولویت‌های مادی به سوی اولویت‌های فرامادی را، به‌طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط نامنی اقتصادی به سوی امنیت حرکت می‌کند، الزاماً این فرایند در آن روی می‌دهد. این امر به روشنی رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی را نشان می‌دهد.

اینگلهارت با ترکیب فرضیه کم‌یابی و فرضیه اجتماعی‌شدن تحولات بین نسلی را بررسی می‌کند و نظریه فرامادی‌گرایی را بیان می‌کند؛ یعنی تأثیرات این دو عامل در جامعه ما به صورت تحولات نسلی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، و سلیقه‌ها نمایان شده، چنان‌که در بخشی از جامعه با دگرگونی‌های وسیع در میان دو نسل مواجهیم. اولویت ارزشی فرد تحت تأثیر محیط اجتماعی - اقتصادی، که وی در طی سال‌های پیش از بلوغ، در آن به سر می‌برده شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیطی، اولویت‌های ارزشی نسل جوان با نسل قبل متفاوت خواهد شد.

در جامعه‌پذیری جوانان نیز، همان‌گونه که بنگستون اشاره می‌کند، علاوه بر تأثیر خانواده در جایگاه مهم‌ترین نظام، نفوذ گروه هم‌سالان و هم‌کلاسی‌ها در خارج از خانواده، مانند مدرسه، و وقایع تاریخی و اجتماعی به‌شبه‌ای خاص مشاهده می‌شود. بنگستون و گلاس

در نظریه رشدیافتگی سنی این ادعا را مطرح می‌کنند که والدین و فرزندان سرمایه‌گذاری‌های متفاوتی در زمینه روابط خانوادگی می‌کنند و هم‌چنان‌که در دوره زندگی حرکت می‌کنند، منابع متفاوتی از قدرت در تعامل خانوادگی دارند. فرزندان در اواخر نوجوانی ممکن است که کم‌تر مثل والدینشان باشند و ممکن است با وظایف رشدی و استقلال و تفاوت داشتن با والدین مواجه شوند. چنین فرایندهایی تفاوت‌های بزرگی را بین گرایش‌های والدین و فرزندان ایجاد می‌کند و از تأثیر انتقال ارزش‌ها در خانواده جلوگیری می‌کند.

مانه‌ایم تجربه نسلی را مطرح می‌کند و بر آن است که هر نسلی تجربیاتی متفاوت از نسل قبل خود دارد. آن‌ها در طبقات مختلف‌اند و آگاهی‌های مختلفی دارند، اما رویکرد و موضع‌گیری مشترکی دارند که از تجربه مشترک آن‌ها حاصل می‌شود. از طرفی، در جامعه تضاد بین سنت و مدرنیته مشاهده می‌شود که منشأ دگرگونی فرهنگی شده و یادآور نظریات گیدنز در باب مدرنیته و جهانی‌شدن است. پویایی، تأثیر جهان‌گستر، تغییر دائمی رسوم سنتی، که از ویژگی‌های مدرنیته به‌شمار می‌روند، سبب می‌شوند که افراد از قید انتخاب‌هایی که معمولاً سنت بر گردن آن‌ها انداخته رها شوند. بدین ترتیب، فرد در مقابل انتخاب‌های متنوع و ممکن قرار می‌گیرد.

در ایران، ورود فناوری‌های جدید جامعه را تغییر داده است و جوانان، به‌علت نوگرایی و آمادگی برای پذیرش نوآوری‌ها، بیش‌تر از افراد مسن که افکار و عقایدشان شکل گرفته، تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته و جذب تغییراتی چون نحوه ارتباطات، مد، سیاست، الگوپذیری غیر فرهنگی خود (نابه‌نجاری) شده‌اند. براساس این رویکرد، همان‌گونه که مک لوهان اشاره می‌کند، تحولات سریع فناوری در حوزه اطلاعات و ارتباطات و دسترسی گسترده نسل جوان به رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت آن‌ها را در موقعیت متفاوتی با نسل پیشین قرار داده و در سبک زندگی آنان تأثیر می‌گذارد. سرعت این تحولات زندگی و رشد و بلوغ جوانان را تحت تأثیر قرار داده و روند جامعه‌پذیری را کاملاً دگرگون کرده است. اگر در گذشته روند جامعه‌پذیری بیش‌تر توسط خانواده و مدرسه و نهادهایی انجام می‌شد که عناصری از نسل پیشین هم‌چون پدر، مادر، معلم، واعظ، معتمد در این انتقال فرهنگی نقش ایفا می‌کردند، دسترسی گسترده به امکانات نوین فناوری نسل جدید را در جریان تحولات تازه‌ای قرار می‌دهد. بدین ترتیب، با تغییر مبانی، ورود گزاره‌های ارزشی و نظام ارزشی این نسل نیز متفاوت با نسل پیشین می‌شود.

۵. فرضیه‌های پژوهش

۱.۵ فرضیه کلی

عوامل اجتماعی با روابط نسلی تفاوت یا شکاف رابطه دارد.

۲.۵ فرضیه‌های جزئی

۱. پایگاه اجتماعی والدین با روابط نسلی تفاوت یا شکاف رابطه دارد؛
۲. سبک زندگی با روابط نسلی تفاوت یا شکاف رابطه دارد؛
۳. معاشرت با گروه هم‌سالان با روابط نسلی تفاوت یا شکاف رابطه دارد؛
۴. محل سکونت با روابط نسلی تفاوت یا شکاف رابطه دارد؛
۵. ارتباطات و تعاملات درون خانواده با روابط نسلی تفاوت یا شکاف رابطه دارد.

۶. تعریف مفاهیم

۱.۶ خانواده

خانواده گروه نهادی شده زیستی - اجتماعی از چند فرد بالغ است که دست‌کم دو نفر آنها بدون داشتن پیوند خونی و از جنس مخالف ازدواج کرده باشند. فرزندان نیز زاده پیوند افراد بالغ‌اند (گولد ۱۳۷۶: ۳۸۱).

۲.۶ ارزش‌ها

ارزش‌ها الگویی اجتماعی به‌شمار می‌روند که در حد پذیرش‌شان توسط گروهی از افراد مبنایی برای ایجاد انتظارات مشترک و معیاری برای هدایت و تنظیم رفتار فراهم می‌کنند (جانسون ۱۳۶۱: ۳۷).

۳.۶ هنجارها

ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی‌اند، درحالی‌که هنجارها اصول و قواعدی معین‌اند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند. هنجارها باید و نبایدها را در زندگی اجتماعی نشان می‌دهند (گیدنز ۱۳۷۹: ۳۶؛ رابرتسون ۱۳۷۴: ۶۴).

۴.۶ نگرش

نوعی آمادگی در فرد است که احساسات و تمایلات خاصی را در وی برانگیخته و فرد را به رفتاری خاص وا می‌دارد (اوپنهایم ۱۳۶۹: ۱۲۴).

۵.۶ سبک زندگی

سبک زندگی (lifestyle) بیش‌تر به حوزه زندگی اجتماعی انسان‌ها نزدیک است؛ مثلاً بوردیو بر این نظر است که سبک زندگی اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده فرد را در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، آداب سخن‌گفتن، راه‌رفتن، نوع پوشش، نوع خوراک را در بر می‌گیرد (Bourdieu 1984).

۶.۶ روابط نسلی

در روابط نسلی، سخن از ارتباط نسل‌های متفاوت و خواسته‌هایی است که هر نسل از دنیای خارج دارد. هر نسل، به دلیل بودن در یک زمان مشترک و داشتن وسایل و امکانات و علوم تاحدی یک‌سان، از خواسته‌های تاحدی مشترک برخوردار است. هنگامی که افراد یک نسل به سن ازدواج رسیدند و متأهل و دارای فرزند می‌شوند، معمولاً فرزندشان در نسلی متفاوت با نسل آن‌ها زاده می‌شود و همان‌طور که آن‌ها و هم‌نسلی‌هایشان خواسته‌های خاصی را داشته‌اند، اکنون فرزند آن‌ها هم خواسته‌های نسل خود را دارد که ممکن است با خواسته‌های والدین متفاوت باشد. این تفاوت ممکن است به دو صورت باشد:

الف) هم‌جهت با خواسته‌ها و ایدئال والدین؛

ب) خلاف و متضاد با خواسته‌ها و ایدئال والدین (کفاشی ۱۳۹۴: ۷۰).

۷.۶ نسل، شکاف نسلی، تفاوت نسلی

نسل عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در ابژه‌های نسلی با یک‌دیگر سهیم شده و آن ابژه‌ها را به‌خوبی درک کرده‌اند و در نتیجه، اکنون بینشی درمورد واقعیت اجتماعی برای خود دارند. شکاف نسلی در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد به معنی شکست یا ناتوانی نسل جوان و مسن‌تر برای درک یک‌دیگر است (Wehmeier and Ashbly 2000: 535). شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که واحدهای نسلی شکل بگیرد.

۷. روش پژوهش

روش پژوهش کمی و پیمایشی است. جامعه آماری دختران دانشجوی ۲۰ تا ۲۶ سال دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، با تأکید بر دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه علامه طباطبائی، با تعداد ۱۱۴۰۶ نفر است. روش نمونه‌گیری احتمالی و تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کوکران است که تعداد ۳۷۲ نفر به دست آمد، اما برای اطمینان بیش‌تر میان ۳۸۲ نفر پرسش‌نامه توزیع شد و اطلاعات گرد آمد.

سپس تأثیر متغیر مستقل عوامل اجتماعی، با شاخص‌های ۱. پایگاه اجتماعی والدین شامل درآمد، تحصیلات، شغل؛ ۲. سبک زندگی شامل سستی و مدرن؛ ۳. محل زندگی در سطوح بالا و متوسط و پایین؛ ۴. معاشرت با گروه هم‌سالان شامل مرجع قراردادن هم‌سالان برای تصمیم‌گیری‌ها، سپری کردن بیش‌ترین زمان با هم‌سالان؛ ۵. ارتباط و تعامل درون خانواده در سه سطح زیاد و متوسط و کم، بر متغیر وابسته روابط نسلی (تفاوت/ شکاف) با شاخص‌های ۱. تفاوت دانشی شامل تفاوت در برخورداری از اطلاعات علمی و عمومی؛ ۲. تفاوت گرایشی شامل تفاوت ارزشی، تفاوت در اعتقادات دینی، تفاوت در باورها؛ ۳. تفاوت رفتاری شامل تفاوت در ادبیات و گفتمان، تفاوت در پوشش و تفاوت در آداب معاشرت اجتماعی بررسی شد. برای بررسی پایایی ابزار پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقادیر به دست آمده اعتبار پرسش‌نامه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. بررسی اعتبار کل پرسش‌نامه

مقدار آلفای کرونباخ	شاخص‌های عوامل اجتماعی
۰/۷۳۳	سبک زندگی (سستی و مدرن)
۰/۷۴۸	معاشرت با گروه هم‌سالان
۰/۸۳۸	ارتباط و تعامل درون خانواده

با استفاده از آمار توصیفی جدول‌های آماری و نمودار ستونی مانند شاخص‌های فراوانی، درصد فراوانی، درصد تراکمی سال تولد، وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلی، وضعیت شغلی پدر و مادر، و درآمد بررسی شد. در شیوه استنباطی، در ابتدا به کمک آزمون کلموگروف اسمیرنوف، با توجه به تعیین آماره‌های آزمون و سطح معنی‌داری، چولگی و کشیدگی نرمالیتت توزیع متغیرهای مورد بررسی تعیین شد و با اطمینان ۹۵٪ توزیع متغیرها نرمال مقرر شد. از آزمون‌های پارامتریک برای بررسی فرضیه‌ها و از آزمون هم‌بستگی پیرسون برای تعیین وجود رابطه بین متغیرها بهره برده شد. هم‌چنین مدل تحقیق مدنظر

از طریق رگرسیون چندمتغیره بررسی شد. در انتها، از طریق تحلیل مسیر، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در روابط نسلی سنجیده شد.

۸. یافته‌های پژوهش

باتوجه به اطلاعات جداول آماره‌های توصیفی متغیرها میانگین، کم‌ترین و بیش‌ترین سال تولد پاسخ‌گویان ۱۳۷۲، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۷ است و استان تهران با تعداد ۱۳۰ پاسخ‌گو بیش‌ترین فراوانی و شهرکرد با ۱ نفر کم‌ترین فراوانی را دارد. ۲۶۳ نفر (۶۸.۸ درصد) از پاسخ‌گویان، یعنی اغلب آن‌ها، محل زندگی‌شان منطقه متوسط شهرشان بوده و برحسب وضعیت تأهل ۳۲۱ نفر (۸۴.۰ درصد) از پاسخ‌گویان مجردند. از نظر تحصیلات و شغل پدر و مادر، پاسخ‌گویان دارای این شرایط بودند که ۱۲۹ نفر از پدرشان دیپلم (۳۳.۹ درصد) و ۱۶۳ نفر (۴۳.۸ درصد) از پدران شغل آزاد، هم‌چنین ۱۴۶ نفر از مادران پاسخ‌گویان (۳۸.۳ درصد) دیپلم و ۳۰۲ نفر (۷۹.۱ درصد) از مادران خانه‌دارند. خانواده ۹۰ نفر (۲۳.۶ درصد) از پاسخ‌گویان بیش از ۳ میلیون تومان درآمد دارند که دارای بیش‌ترین فراوانی و خانواده ۳ نفر (۰.۸ درصد) از پاسخ‌گویان درآمد مشخصی ندارند که کم‌ترین فراوانی را داشتند.

در قسمتی از پژوهش، که از دانشجویان خواسته شد تا نظرشان را درباره ویژگی‌های والدین خود و ویژگی‌های خانواده مطلوب بیان کنند، اغلب دانشجویان دختر از خانواده خود رضایت داشتند و خانواده گرم و صمیمی را، که در آن گفت‌وگو و معاشرت‌های جمعی فراوان باشد، مطلوب ارزیابی کردند.

براساس اطلاعات جدول‌های تفکیک نمونه، برحسب سؤالات متغیر عوامل اجتماعی و روابط نسلی، اطلاعات ذیل حاصل شد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۲. بررسی متغیر سبک زندگی در جامعه نمونه

سبک زندگی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
مدرن	۵۶	۱۴.۷	۱۴.۷
متوسط	۳۰۹	۸۰.۹	۹۵.۵
سستی	۱۷	۴.۵	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

* اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط‌اند.

تأثیر عوامل اجتماعی در روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر ۱۴۵

جدول ۳. بررسی متغیر معاشرت با گروه هم‌سالان در جامعه نمونه

معاشرت با گروه هم‌سالان	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۲۲	۵۸	۵۸
متوسط	۲۸۸	۷۵.۴	۸۱.۲
زیاد	۷۲	۱۸.۸	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

* اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط‌اند

جدول ۴. بررسی متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده

ارتباط و تعامل درون خانواده	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۱۵	۳.۹	۳.۹
متوسط	۱۰۸	۲۸.۳	۳۲.۲
زیاد	۲۵۹	۶۷.۸	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

* اکثریت جمعیت نمونه در سطح زیادند.

جدول ۵. بررسی متغیر تفاوت دانشی در جامعه نمونه

تفاوت دانشی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۱۹	۵.۰	۵.۰
متوسط	۳۲۳	۸۴.۶	۸۹.۵
زیاد	۴۰	۱۰.۵	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

* اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط‌اند.

جدول ۶. بررسی متغیر تفاوت گرایشی در جامعه نمونه

تفاوت گرایشی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۹	۲.۴	۲.۴
متوسط	۳۷۰	۹۶.۹	۹۹.۲
زیاد	۳	۰.۸	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

* اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط‌اند.

جدول ۷. بررسی متغیر تفاوت رفتاری

تفاوت رفتاری	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۱۴۵	۳۸.۰	۳۸.۰
متوسط	۲۲۳	۵۸.۴	۹۶.۳
زیاد	۱۴	۳.۷	۱۰۰.۰
جمع	۳۸۲	۱۰۰.۰	

*اکثریت جمعیت نمونه در سطح متوسط‌اند.

در بررسی فرضیه‌های تحقیق و تعیین رابطه بین متغیرها از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. فرض کلی این پژوهش بر این بود که بین عوامل اجتماعی و روابط نسلی رابطه معناداری برقرار است (جدول ۸).

نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون نشان داد که مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر عوامل اجتماعی و روابط نسلی ۰.۷۱۹ با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰، کم‌تر از ۰.۰۵ درصد است. بنابراین، بین دو متغیر عوامل اجتماعی و روابط نسلی رابطه مثبت معنادار دارند. در نتیجه، فرض صفر یا فرض استقلال دو متغیر رد شد و فرضیه کلی پژوهش تأیید شد [r=0.719, p= 0.000].

جدول ۸. معناداری رابطه بین عوامل اجتماعی و روابط نسلی

		عوامل اجتماعی	روابط نسلی
عوامل اجتماعی	هم‌بستگی پیرسون	۱	.۷۱۹**
	سطح معناداری		.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	هم‌بستگی پیرسون	.۷۱۹**	۱
	سطح معناداری	.۰۰۰	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

در بررسی فرضیه‌های جزئی نتایج ذیل حاصل شد:

- پایگاه اجتماعی والدین با روابط نسلی رابطه معنادار دارد.

بر اساس نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر پایگاه اجتماعی والدین و روابط نسلی ۰.۶۰- با سطح معنی‌داری ۰.۲۴۳، بیش‌تر از ۰.۰۵ درصد است

تأثیر عوامل اجتماعی در روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر ۱۴۷

(جدول ۹). بنابراین، دو متغیر پایگاه اجتماعی والدین با روابط نسلی رابطه معنادار ندارد. در نتیجه، فرض صفر یعنی فرض استقلال دو متغیر پذیرفته می شود [r=-0.060, p= 0.243].

جدول ۹. معناداری رابطه بین پایگاه اجتماعی والدین و روابط نسلی

		پایگاه اجتماعی والدین	روابط نسلی
پایگاه اجتماعی والدین	هم بستگی پیرسون	۱	-.۰۶۰
	سطح معناداری		.۲۴۳
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	هم بستگی پیرسون	-.۰۶۰	۱
	سطح معناداری	.۲۴۳	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

- سبک زندگی با روابط نسلی رابطه معنادار دارد.

نتایج آزمون هم بستگی پیرسون نشان داد که مقدار هم بستگی بین دو متغیر سبک زندگی و روابط نسلی ۰.۶۰۵ با سطح معنی داری ۰.۰۰۰، کم تر از ۰.۰۵، است (جدول ۱۰). بنابراین، دو متغیر سبک زندگی و روابط نسلی رابطه مثبت معنادار دارند. در نتیجه، فرض صفر یا فرض استقلال دو متغیر رد می شود [r=0. 605, p= 0.000].

جدول ۱۰. معناداری رابطه بین سبک زندگی و روابط نسلی

		سبک زندگی	روابط نسلی
سبک زندگی	هم بستگی پیرسون	۱	.۶۰۵**
	سطح معناداری		.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	هم بستگی پیرسون	.۶۰۵**	۱
	سطح معناداری	.۰۰۰	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

- معاشرت با گروه هم سالان با روابط نسلی رابطه معنادار دارد.

بر اساس نتایج آزمون هم بستگی پیرسون، مقدار هم بستگی بین دو متغیر معاشرت با گروه هم سالان و روابط نسلی ۰.۲۹۳ با سطح معنی داری ۰.۰۰۰، کم تر از ۰.۰۵ درصد، است (جدول ۱۱). بنابراین، دو متغیر معاشرت با گروه هم سالان و روابط نسلی رابطه مثبت معنادار دارند. در نتیجه، فرض صفر یا فرض استقلال دو متغیر رد می شود [r=0. 293, p= 0.000].

جدول ۱۱. معناداری رابطه بین معاشرت با گروه هم‌سالان و روابط نسلی

		معاشرت با گروه هم‌سالان	روابط نسلی
معاشرت با گروه هم‌سالان	هم‌بستگی پیرسون	۱	.۲۹۳**
	سطح معناداری		.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	هم‌بستگی پیرسون	.۲۹۳**	۱
	سطح معناداری	.۰۰۰	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

- محل زندگی با روابط نسلی رابطه معناداری دارد.

نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون نشان داد که مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر محل زندگی و روابط نسلی ۰.۲۲۰ با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰، کم‌تر از ۰.۰۵ درصد، است (جدول ۱۲). بنابراین، دو متغیر محل زندگی و روابط نسلی رابطه معنادار دارند. در نتیجه، فرض صفر یا فرض استقلال دو متغیر رد می‌شود [r=0. 220, p= 0.000].

جدول ۱۲. معناداری رابطه بین محل زندگی و روابط نسلی

		محل زندگی	روابط نسلی
محل زندگی	هم‌بستگی پیرسون	۱	.۲۲۰**
	سطح معناداری		.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	هم‌بستگی پیرسون	.۲۲۰**	۱
	سطح معناداری	.۰۰۰	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

- ارتباط و تعامل درون خانواده با روابط نسلی رابطه معنادار دارد.

نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون نشان داد که مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی ۰.۶۸۵ با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰، کم‌تر از ۰.۰۵ درصد، است. بنابراین، دو متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی رابطه مثبت معنادار دارند (جدول ۱۳). در نتیجه فرض صفر یعنی فرض استقلال دو متغیر رد می‌شود [r=0. 685, p= 0.000].

تأثیر عوامل اجتماعی در روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر ۱۴۹

جدول ۱۳. معناداری رابطه بین ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی

		ارتباط و تعامل درون خانواده	روابط نسلی
ارتباط و تعامل درون خانواده	همبستگی پیرسون	۱	۶۸۵**
	سطح معناداری		۰.۰۰۰
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲
روابط نسلی	همبستگی پیرسون	۶۸۵**	۱
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	
	تعداد	۳۸۲	۳۸۲

۱.۸ تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (روابط نسلی)

در رگرسیون چندمتغیره، برای تبیین متغیر روابط نسلی ضریب همبستگی چندگانه $(R = 0.730)$ به دست آمد که ۷۳ درصد همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد (جدول ۱۴). ضریب تعیین برابر با $(R^2 = 0.533)$ و ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با $(R^2 = 0.527)$ به دست آمد و نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به معادله فقط توانسته‌اند ۵۲ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین کنند. معادله رگرسیونی خطای برآورد ۰.۲۶۳ را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی داری رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار آماره F برابر با ۸۵.۹۴۷ است)، می‌توان گفت که حضور دست کم یکی از متغیرهای مربوط در معادله معنی دار است (سطح معنی داری ۰.۰۰۰).

جدول ۱۴. تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (روابط نسلی)

Model	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	مقدار آماره F	سطح معناداری
□	۰.۷۳۰	۰.۵۳۳	۰.۵۲۷	۰.۲۰۳	۸۵.۹۴۷	۰.۰۰۰

جدول ۱۵. ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده روابط نسلی

متغیر	B	ضریب بتای استاندارد	t	سطح معناداری
ثابت	۱.۰۹۴		۱۰.۵۰۹	۰.۰۰۰
سبک زندگی	۰.۱۷۴	۰.۲۴۴	۴.۶۶۷	۰.۰۰۰
معاشرت با گروه همسالان	۰.۰۸۰	۰.۱۸۵	۵.۱۵۷	۰.۰۰۰
ارتباط و تعامل درون خانواده	۰.۲۹۲	۰.۴۷۵	۹.۳۹۶	۰.۰۰۰
پایگاه اجتماعی والدین	۰.۰۱۴	۰.۰۴۰	۱.۰۷۰	۰.۲۸۵
محل زندگی	۰.۰۲۳	۰.۰۳۱	۰.۸۳۱	۰.۴۰۷

ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده روابط نسلی نیز نشان می‌دهد که از میان ۵ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون سه متغیر سبک زندگی، معاشرت با گروه هم‌سالان، ارتباط و تعامل درون خانواده رابطه معنی‌داری در معادله یافتند و متغیرهای پایگاه اجتماعی والدین و محل زندگی رابطه معنی‌داری در معادله ندارند.

با بررسی میزان بتاها، می‌بینیم که ارتباط و تعامل درون خانواده بالاترین میزان بتای استاندارد ۰.۴۷۸ را، با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰، دارد (معنی‌داری در سطح ۰.۰۵) که نسبت به سایر متغیرهای مستقل دارای بیش‌ترین تأثیر در متغیر وابسته است. پس‌از آن، متغیرهای سبک زندگی با ضریب ۰.۲۴۴ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰، معاشرت با گروه هم‌سالان با ضریب ۰.۱۸۵ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰، به‌ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در متغیر وابسته دارند. باتوجه‌به ضرایب به‌دست‌آمده، در مرحله بعد تأثیر متغیرهای مستقل سبک زندگی و معاشرت با گروه هم‌سالان در متغیر وابسته ارتباط و تعامل درون خانواده بررسی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین آن انجام می‌شود.

جدول ۱۶. تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (ارتباط و تعامل درون خانواده)

Model	ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	مقدار آماره F	سطح معناداری
	۰.۷۰۷	۰.۵۰۰	۰.۴۹۸	۰.۴۴۳	۱۸۹.۷۸۹	۰.۰۰۰

جدول ۱۷. ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده ارتباط و تعامل درون خانواده

متغیر	B	ضریب بتای استاندارد	T	سطح معناداری
ثابت	۰.۲۳۷		۱.۸۸۴	۰.۰۶۰
سبک زندگی	۰.۸۰۹	۰.۶۹۵	۱۸.۹۷۴	۰.۰۰۰
معاشرت با گروه هم‌سالان	۰.۰۴۶	۰.۰۶۶	۱.۷۸۸	۰.۰۷۵

ضریب هم‌بستگی چندگانه ($R = 0.707$)، در آزمون تحلیل رگرسیون، بیان‌گر آن است که بین متغیرها ۷۰ درصد هم‌بستگی برقرار است. ضریب تعیین ($R^2 = 0.500$) و ضریب تعیین تعدیل‌یافته ($R^2 = 0.498$) نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به معادله ۴۹ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. معادله رگرسیونی خطای برآورد ۰.۴۴۳ را نشان می‌دهد. نتیجه سطح معنی‌داری رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار

تأثیر عوامل اجتماعی در روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر ۱۵۱

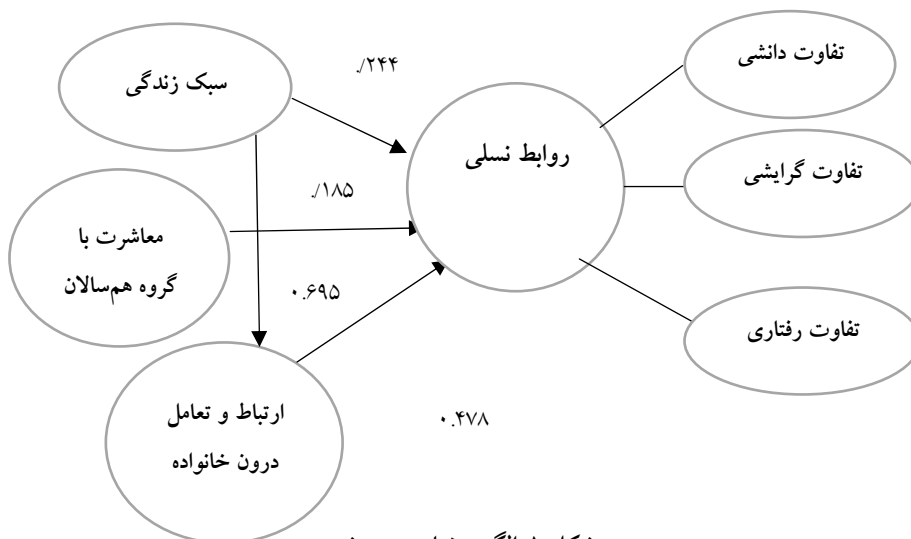
آماره F برابر ۱۸۹.۷۸۹ است) نشان می‌دهد که حضور دست‌کم یکی از متغیرهای مربوط در معادله معنی‌دار است (سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰). ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده ارتباط و تعامل درون خانواده نشان می‌دهد که از میان ۲ متغیر واردشده به معادله رگرسیون فقط متغیر سبک زندگی با ضریب ۰.۶۹۵ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰ (معنی‌داری در سطح ۰.۰۵) رابطه معنی‌داری در معادله یافته است.

بدین ترتیب، نتیجه انواع تأثیر مستقیم، تأثیر غیرمستقیم، هم مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل در متغیر وابسته به شرح ذیل است:

جدول ۱۸. ضرایب تحلیل مسیر

تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل
۰.۲۴۴	۰.۳۳ (به واسطه ارتباط و تعامل درون خانواده)	۰.۵۷۴
۰.۱۸۵	-	۰.۱۸۵
۰.۴۷۸	-	۰.۴۷۸

براساس ضرایب به‌دست‌آمده، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، سبک زندگی به‌واسطه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم (به‌واسطه ارتباط و تعامل درون خانواده) با ضریب کل ۰.۵۷۴ و پس‌از آن، ارتباط و تعامل درون خانواده با ضریب کل ۰.۴۷۸ بیش‌ترین تأثیر را در متغیر روابط نسلی دارد (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی نهایی پژوهش

۹. نتیجه‌گیری

در حال حاضر، هم‌گام با جهانی‌شدن و رخداد‌های اجتماعی و اقتصادی، روابط نسل‌ها دست‌خوش دگرگونی شده است. از معضلات مهمی که اینک جامعه ایران با آن روبه‌روست، برقراری نبودن رابطه و تعامل منطقی میان نسل‌هاست که می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلات و بحران‌ها شود. در واقع، فاصله بین نسل‌ها و برقراری نبودن تعامل منطقی بین آن‌ها از جمله دغدغه‌هایی است که همواره پابرجا بوده است، اما به دلایل گوناگون با رشد بیش از پیش این فاصله و عدم توجه کافی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و برقراری نبودن تعامل مطلوب بین فرزندان، یعنی نسل جدید، و والدین، یعنی نسل گذشته، مواجهیم. جوانان امروز از لحاظ کنش‌های اجتماعی با نسل‌های دیگر تفاوت دارند. دگرگونی‌هایی که فرصت هنجاری‌شدن و انطباق با شرایط جدید را محدود کرده و در بسیاری از موارد، امکان تصمیم‌گیری مناسب را فراهم نمی‌آورد.

باعنایت به مطالب مذکور و هم‌چنین از آن‌جاکه دختران جوان تربیت‌کنندگان نسل فردا هستند، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، با شاخص‌های سبک زندگی و معاشرت با گروه هم‌سالان و ارتباط و تعامل درون خانواده، در روابط نسلی از دیدگاه دانشجویان دختر انجام گرفته است.

بر اساس نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر عوامل اجتماعی و روابط نسلی ۰.۷۱۹ به دست آمد. با توجه به یافته‌ها، فرضیه اصلی پژوهش تأیید شد و از میان فرضیه‌های جزئی فرضیه رابطه پایگاه اجتماعی خانواده و روابط نسلی تأیید نشد.

در خصوص متغیرهای سبک زندگی، معاشرت با گروه هم‌سالان و متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده در جامعه نمونه ملاحظه شد که اکثریت جمعیت نمونه از نظر سبک زندگی، معاشرت با گروه هم‌سالان در سطح متوسط و در خصوص متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده، اکثریت جمعیت نمونه در سطح زیاد است. نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون نشان داد که مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر سبک زندگی و روابط نسلی ۰.۶۰۵ با معنی‌داری ۰.۰۰۰، مقدار هم‌بستگی برای دو متغیر معاشرت با گروه هم‌سالان و روابط نسلی ۰.۲۹۳ با معنی‌داری ۰.۰۰۰، و مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر ارتباط و تعامل درون خانواده و روابط نسلی ۰.۶۸۵ با معنی‌داری ۰.۰۰۰ است که رابطه مثبت معنادار بین متغیرها را نشان می‌دهد.

هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که گروه مرجع دختران جوان، تحت تأثیر فردگرایی در نسل جوان، تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل دارد و به علت رشد فردگرایی، آنان گرایش دارند که

اوقات فراغت خود را با هم‌سالان بگذرانند. علاوه بر این، تغییراتی به لحاظ میزان و سطوح رابطه در میان نسل کنونی نسبت به نسل قبل رخ داده است. تغییراتی که ناشی از افزایش جمعیت دختران جوان در مقاطع تحصیلی دانشگاهی، افزایش حضور زنان و دختران در فعالیت‌های اجتماعی، افزایش فضاهای مجازی و تسهیل‌کننده ارتباطات، تغییر نگرش دختران جوان امروزی به سطح روابط است.

بنابراین، تأثیر متغیر روابط با هم‌سالان در روابط نسلی با نظریه بنگستون، که در بخش نظری به آن پرداخته شد، هماهنگی دارد. نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که متغیر معاشرت با گروه هم‌سالان، علاوه بر تأثیر مستقیم، از طریق غیرمستقیم نیز به واسطه ارتباط و تعامل درون خانواده و سبک زندگی پس از سبک زندگی و ارتباط و تعامل درون خانواده بیش‌ترین تأثیر را در متغیر وابسته روابط نسلی دارد.

هم‌چنین اکثریت جمعیت نمونه از نظر متغیرهای تفاوت دانشی (تعداد ۳۲۳ نفر با ۸۴.۶ درصد)، تفاوت گرایشی (تعداد ۳۷۰ نفر با ۹۶.۹ درصد)، و تفاوت رفتاری (تعداد ۲۲۳ نفر با ۵۸.۴ درصد) در سطح متوسط قرار دارند که می‌تواند حاصل ورود فناوری‌های جدید به خانواده‌ها باشد. به عبارتی، مبانی ورود گزاره‌های ارزشی به خانواده تغییر یافته که باعث تفاوت نظام ارزشی دختران جوان با والدین آن‌ها شده است و این نتیجه با نظریه مک لوهان مطابقت دارد.

با روند پیشرفت اطلاعات و ارتباطات هر نسل، در مقایسه با نسل پیشین خود، بیش‌تر در معرض اطلاعات و آگاهی‌های جدید است و همین موجب نوعی تفاوت میان دو نسل می‌شود. در دوران معاصر که سرعت تبادل اطلاعات بالاتر رفته و ما با تعدد منابع اطلاع‌رسانی مواجهیم، اعضای جامعه منبع اطلاع‌رسانی در طرز فکر و سبک زندگی به‌شمار می‌روند. رسانه‌های جدید این امکان را به جوانان داده‌اند که از اخبار و اطلاعات سراسر جهان آگاه شوند و مدرنیته، مانند گردونه‌ای که روزه‌روز این شبکه آگاهی‌بخش جهانی را گسترده‌تر می‌کند، افراد را در معرض این اطلاعات قرار می‌دهد.

امروزه، در اغلب خانواده‌ها، دختران جوان تحت تأثیر جهانی شدن هستند و در مسیر پیشرفت جهانی علم گام برداشته‌اند و دانش آن‌ها بیش از والدینشان است. اگر والدین در راستای ارتقای اطلاعات علمی و عمومی خود گام برندارند و لزوم این تغییرات را نپذیرند، طیف روابط نسلی از تفاوت تا شکاف در خانواده‌های مختلف متغیر خواهد بود و این دیدگاه و نتیجه‌گیری با نظریه جهانی شدن گیدنز هم‌سویی دارد.

آشنایی با نحوه‌های متفاوت گذران زندگی که از طرق گوناگون حاصل می‌شود، مانند رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، اغلب برای دختران جوان جذاب است و تمایل آنان را برای تجربه در این زمینه‌های متفاوت افزایش داده و این امر می‌تواند سرچشمه چالش‌های فرد با خود و خانواده و جامعه بزرگ‌تر باشد. خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه‌های جمعی منابعی هستند که می‌توانند در چالش‌های روابط نسلی تأثیر بگذارند و بسته به نوع آگاهی و جامعه‌پذیری، که برای القا به فرد در نظر می‌گیرند، می‌توانند نقشی متغیر داشته باشند.

در مقوله تفاوت ارزشی و گرایشی، براساس نظر رونالد اینگلهارت، می‌توان گفت تفاوت جوانان و بزرگسالان به علت تفاوت زمانه و شرایط جامعه‌پذیری آن‌هاست و با افزایش سن، تفاوت دو نسل کم‌وبیش باقی می‌ماند. اینگلهارت با طرح آثار گروه سنی، از خلال جای‌گزینی نسلی، سعی در طرح مسئله دگرگونی ارزشی و فرهنگی دارد. بر این اساس، می‌توان گفت جوانانی که امروزه گرایش به ارزش‌های دینی در آن‌ها سست‌تر از بزرگسالان است، پس از سپری کردن جوانی و جانشین نسل بزرگسال کنونی شدن، می‌توانند باز هم گرایش‌های ضعیف‌تری نسبت به نسل قبلی خود داشته باشند.

براساس نتایج رگرسیون چندمتغیره، مشاهده شد که بالاترین میزان اثرگذاری بر متغیر روابط نسلی از سوی متغیرهای سبک زندگی و ارتباط و تعامل درون خانواده است. بنابراین، باتوجه به این که در اکثریت جامعه نمونه میزان متغیرهای مذکور به ترتیب در سطح متوسط و زیاد به دست آمد، روابط نسلی از نوع تفاوت نسلی ارزیابی می‌شود.

براساس یافته‌های کلی می‌توان نتیجه گرفت که در تبیین تفاوت بین نسل‌ها در سطح خرد، دگرگونی در ویژگی شخصیتی دختران جوان به لحاظ نوگرایی، سنت‌شکنی، فردگرایی، جمع‌گرایی رخ داده و با ظهور نوعی تحول کیفی در نسل جدید در مقایسه با نسل قبلی مواجهیم که خود موجب شکل‌گیری رویکردهای مختلفی در مورد تغییرات نسلی شده است. در سطح میانی، تحولاتی به لحاظ فرایندهای اجتماعی چون جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت تحقق پیدا کرده است. بنابراین، در جامعه تغییرات مشاهده می‌شود و دختران جوان نسلی تحول‌گرا و تغییرطلب‌اند. بدیهی است نقش خانواده در مقام عاملی مداخله‌گر در مدیریت و کاهش تضاد نسلی، برپایه وجود روابط تعریف‌شده میان والدین و فرزندان، تأثیرگذار است.

باتوجه به در حال گذار بودن جامعه و به چالش طلبیده شدن نظم سنتی، والدین و فرزندان هر دو باید مراقب جوانب و پیامدهای این جریان عظیم تغییر و تحول باشند. هنگامی که از

تفاوت نسل‌ها سخن به میان می‌آید، سویه دیگر، به جز جوانان، نسل‌های بزرگسال جامعه قرار دارند. پس، اگر بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم، باید به جز جوانان نسل‌های دیگر را هم در نظر بگیریم. در چنین برنامه‌هایی، مسن‌ترها باید قانع شوند که تاحدی آرام‌تر با آثار موج تجددگرایی در جوانان رفتار کنند. چراکه رفتار تند می‌تواند آن‌ها را کاملاً از مسیر اصلی زندگی دور کند. درعین‌حال، مدیران و برنامه‌ریزان نیز باید خود نگاه واقعی و دیدگاه متعادلی داشته باشند و در نوع برنامه‌ریزی‌ها، به منظور تعدیل تفاوت نسلی، بهتر است با تعدیل و تسامح تصمیم‌گیری کنند.

کتاب‌نامه

- احمدی، یعقوب و بیتا حامد (۱۳۹۰)، «سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابژه‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، *جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، ش ۲.
- اوپنهایم، ا. ان. (۱۳۶۹)، *طرح پرسش‌نامه و سنجش نگرش‌ها*، ترجمه مرضیه کریم‌نیا، تهران.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳)، «رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ش ۳.
- آزاد ارمکی، تقی، مهناز زند، و طاهره خزایی (۱۳۸۲)، «روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، س ۱۲ و ۱۳، ش ۴۴ و ۴۵.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۸)، *درسی درباره درس*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- جانسون، چالمرز ا. (۱۳۶۱)، *تحول انقلابی؛ بررسی نظری پدیده انقلاب*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر.
- جولانی، شمسی و امیرمسعود امیرمظاهری (۱۳۹۳)، *بررسی مردم‌شناختی شکاف نسلی نزد مادران و دختران با تکیه بر رویکرد مارگرت مید؛ مطالعه موردی منطقه ۵ تهران و شهرستان اسلام‌شهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی مرکز.
- دانش، پروانه، زهرا ذاکری نصرآبادی، و عظیمه‌سادات عبداللهی (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران»، *فصل‌نامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، س ۵، ش ۳.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۵)، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، بابل: کتاب‌سرای بابل.
- رابرتسون، ایان (۱۳۷۴)، *درآمدی بر جامعه؛ با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز، و کنش متقابل نمادی*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ربانی، علی و عاطفه محمدزاده یزد (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی ارزشی در منطقه ۹ شهرداری مشهد با تأکید بر ارزش‌های دینی»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۱۰، ش ۱.

- ساروخانی، باقر و مجتبی صدقاتی فرد (۱۳۸۸)، «شکاف نسلی در خانواده ایرانی»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، س ۳، ش ۴.
- سفیری، خدیجه و سیده عقیله محمدی (۱۳۸۴)، «هویت جنسی مادران و دختران شناخت یا تفاوت؟»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- کفاشی، مجید (۱۳۹۴)، «عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکاف نسلی جوانان شهر تهران»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، س ۶، ش ۱.
- گولد، جولوس (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران، تهران: مازیار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مانهایم، کارل (۱۳۸۰)، *ایدئولوژی و اتوپیا*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: دانشگاه تهران.

- Bengston, V. L. (1970), "The Generation Gap; A Review and Typology of Social - Psychological Perspective", *Youth and Society*, no. 2.
- Bourdieu, Pierre (1984), *Questions De Sociologie*, Les Editions Deminunit 7; Paris: RueBernard Palissy.
- Dennis, J., T. Basañez, and A. Farahmand (2010), "Intergenerational Conflicts Among Latinos in Early Adulthood: Separating Values Conflicts With Parents From Acculturation Conflicts", *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, vol. 32, no. 1.
- Farahmand, M. and Y. karimi Monjamoei (2016), "The Globalization of Culture and Social Identity Reflexivity", *Journal of Fundamental and Applied Sciences*, vol. 8, no. 2.
- Jacobsen, R. Brooke, Kenneth J. Berry, and Keith F. Olson (1975), "An Empirical Test of the Generation Gap: A Comparative Intrafamily Study", *Journal of Marriage and Family*, vol. 37, no. 4.
- Mannheim, K. (1952), "The Problem of Generations", in *Essay on the Sociology of Knowledge*, London: Routledge and Kegan Paul.
- McLuhan, Marshall (1962), *The Gutenberg Galaxy*, Toronto: University of Toronto.
- Miller, Brian J., Peter Munday, and Jonathan P. Hill (2013), Faith in the Age of Facebook: Exploring the Links between Religion and Social Network Site Membership and Use, At University of Notre Dame on January 4.
- Schonpflug, Ute (2001), "Intergenerational Transmission of Values: The Role of Transmission Belts", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, vo. 132, no. 2.
- Voas, David and Alasdair Crockett (2005), "Religion in Britain: Neither Believing nor Belonging", *Sociology*, vol. 39, no. 1.
- Wehmeier, Sally, Michael Ashbly, and Albert Sydney Hornby (2000), *Oxford; Advanced Learner's Dictionary of Current English*, London: Oxford University Press.
- Zhang, Y. B. (2007), "Initiating Factors of Chinese Intergenerational Conflict: Young Adult's Written Accounts", *Journal of Cross-Cultural Gerontology*, vol. 19.